

برانکو مارستیچ: جنگ غزه اسرائیل یکی از هولناک‌ترین جنایات تاریخ است

درج‌شده در سایت "یاکوبین" ۵ اوت ۲۰۲۵ برابر با ۱۴ مرداد ۱۴۰۴

<https://jacobin.com/2025/08/israel-gaza-worst-crimes-ever>

برگردان به فارسی از نادر ثانی



جنگ اسرائیل در غزه ترکیبی است از نرخ کشتاری باورنکردنی، خشونت شوکه‌کننده علیه کودکان، تخریب فیزیکی بی‌سابقه و اکنون یک قحطی جهانی-تاریخی. بر اساس معیارهای عینی، جهان هرگز چنین فاجعه‌ای را به خود ندیده است.

برای درک عمق فاجعه در غزه، باید به تمام افرادی فکر کنید که در زندگی‌تان شناخته‌اید: پدر و مادر، خواهر و برادرها، پدربزرگ و مادربزرگ، عمه‌ها،

عموها، فرزندان عموها؛ دوستانی که از کودکی می‌شناختید و حتی آشنایان دورتری که سال‌ها در خاطراتتان حضور داشتند. همسایه‌ها، همکلاسی‌ها، مغازه‌داری که با او شوخی‌های خصوصی داشتید، یا صاحب رستورانی که همیشه کمی بیشتر به شما می‌داد.

حالا تصور کنید همه آنها ناپدید شده‌اند. شاید در حملات هوایی کشته شده‌اند— این سرنوشت تمام خانواده‌تان بوده است، زیر آوارهای خانه مدفون شده‌اند، همراه با برادران، والدین، مادر بزرگ و حتی سگ خانواده. به معجزه، تنها شما و خواهر کوچک‌تان زنده مانده‌اید. در یک لحظه، تمام دنیایی که می‌شناختید نابود شده است. همسایه‌ها، دوستان—همگی مرده‌اند. اگر کسی جان سالم به در برده باشد، شما خبر ندارید، چون مجبورید فرار کنید.

طی یک سال و نیم بعد، شما و خواهر کوچک‌تان مجبورید سه بار دیگر نقل مکان کنید، چادرهای موقت برپا کنید و دوباره آنها را رها کنید تا کیلومترها پیاده به «مناطق امن بعدی» بروید—هرچند شنیده‌اید که آنجاها هم بمباران می‌شوند. مرگ همه‌جا هست و هر روز ساعتها تلاش می‌کنید تا آب یا غذایی پیدا کنید تا خواهر کوچک‌تان زنده بماند، دختری که در یک بمباران جداگانه هر دو پایش را از دست داده، در حالی که شما دستش را گرفته بودید و بدون بی‌هوشی، پاهایش را قطع کردند چون بیمارستانها دارویی نداشتند.

شما نمی‌دانید سرنوشت بیشتر کسانی که در زندگی‌تان می‌شناختید چه شده است، یا بدتر، گاهی می‌فهمید. اما وقتی یک سال می‌گذرد، زادگاهتان نابود شده است: گرمای آشنا خانه، مدرسه‌ای که کودکی‌تان را در آن گذرانید، دانشگاهی که از آن فارغ‌التحصیل شدید، خیابان‌هایی که در آنها دوچرخه سواری می‌کردید، مکان‌های بازی دوران کودکی، خانه دوستانی که در آنها جشن تولد گرفتید، نقطه‌ای که اولین قرار عاشقانه‌تان را آنجا گذاشتید—همه ناپدید شده‌اند و جایشان را گستره‌ای بی‌پایان از ویرانه‌های سیاه گرفته است.

امروز قحطی آغاز شده و شما روزهاست چیزی نخورده‌اید. شنیده‌اید که در محل‌های توزیع کمک‌ها به مردم شلیک می‌کنند، اما خواهر کوچک‌تان بسیار بیمار است و به اسکلتی تبدیل شده، پس از روی ناامیدی به آنجا می‌روید. در میان ازدحام عرق‌کرده و مستأصل مردم که التماس یک کیسه آرد می‌کنند،

صدای تیراندازی می‌شنوید و به زمین می‌افتید. آخرین فکرتان خواهر گرسنه‌تان است و این که حالا چه کسی از او مراقبت خواهد کرد.



این داستان واقعی یک فرد خاص نیست، اما—همانطور که خواهید دید، حتی با بیان ملایم—شرح دقیق رنج‌هایی است که در طول نزدیک به دو سال گذشته بر مردم و جامعه غزه تحمیل شده است.

دو ماه پس از آغاز جنگ، ژاکوبین هشدار داد که با توجه به انبوه آمارها، شواهد و گواهی‌های هولناک، آنچه در غزه می‌بینیم «صرفاً یک جنگ وحشتناک دیگر نیست، بلکه چیزی کاملاً متفاوت است.» اکنون نوزده ماه از آن زمان گذشته و بیش از هر زمان دیگری روشن است که آنچه اسرائیل با غزه کرده—از نظر عینی و بر اساس آمار—یکی از هولناک‌ترین جنایات تاریخ مدرن بشریت است.

نقاط عطف بی‌رحمی

واژه‌های «بی‌سابقه» و «بدترین در تاریخ» بارها در توصیف غزه به کار رفته است، معمولاً از زبان مقامات، پزشکان، کارکنان امدادی، کارشناسان و دیگرانی که عمر خود را صرف مشاهده برخی از مخوف‌ترین مناطق جنگی تاریخ کرده‌اند. این ادعاها با آمار تأیید می‌شود.

تنها در سه ماه اول جنگ، میانگین کشتار روزانه نیروهای اسرائیلی—۲۵۰ کشته در روز—بدتر از تمام جنگ‌های بزرگ این قرن، از جمله اوکراین، عراق و یمن بود. جنگ داخلی سوریه، با شهری خونی، نرخ کشتاری معادل نصف این مقدار داشت (۹۶/۵ کشته در روز). برای یافتن جنگی که در صد روز اول به اندازه غزه مرگبار بوده، باید به نسل‌کشی رواندا در ۱۹۹۴ بازگردیم و حتی آن هم به پای این فاجعه نمی‌رسد.

از آن زمان، نرخ کشتار «کاهش یافته»، اما تنها به این دلیل که تخریب سیستماتیک بیمارستان‌های غزه توسط اسرائیل، شمارش کشته‌ها را دشوار کرده است. با این حال، اگر آمار رسمی کشته‌شدگان تا ۳۰ ژوئیه (بیش از ۶۰,۰۰۰ نفر، که قطعاً کمتر از واقعیت است) را ملاک قرار دهیم، میانگین کشته‌ها ۹۱ فلسطینی در روز است، میزانی که بیشتر از کشته‌شدگان روزانه در تمام جنگ‌های سالهای اخیر به استثنای جنگ در سوریه می‌باشد. همانطور که پیتربینارت اشاره کرده، این تعداد حتی از برخی از مشهورترین کشتارهای تاریخ که وجدان جهانی را تکان داد و تغییرات سیاسی بزرگی را رقم زد، بیشتر است: مانند کشتار شارپویل در آفریقای جنوبی (۶۹ کشته) یا یکشنبه خونین در ایرلند (۲۶ کشته).

اما مسئله تنها شمار کشته‌ها نیست، بلکه اینکه چه کسانی کشته شده‌اند نیز اهمیت دارد. پس از یک سال، ۹۰۲ خانواده به طور کامل منقرض شده‌اند—یعنی حتی یک بازمانده هم نداشته‌اند و نام خانوادگی‌شان برای همیشه از ثبت احوال غزه حذف شده است. این رقم، پایین‌ترین برآورد موجود است. نزدیک به ۳,۵۰۰ خانواده تنها دو عضو زنده دارند و ۱,۳۶۴ خانواده فقط یک بازمانده. در برخی موارد، اسرائیل در یک حمله هوایی، سه یا چهار نسل از یک خانواده را از بین برده است. اگرچه چنین مواردی در جنگ‌های دیگر هم دیده شده، اما هرگز در این مقیاس وحشتناک نبوده است.

اسرائیل سهم غیرمعمول بالایی از غیرنظامیان را کشته است. تا سپتامبر ۲۰۲۴، زمانی که آمار کشته‌ها بسیار کمتر از امروز بود، تعداد زنان و کودکان کشته‌شده در غزه از هر جنگ دیگری در دو دهه اخیر بیشتر بود.

حتی با محاسبه‌ای بسیار محافظه‌کارانه—که اجساد شناسایی نشده را لحاظ نمی‌کند و ادعای مضحک اسرائیل مبنی بر کشتن ۲۰,۰۰۰ جنگنده حماس را می‌پذیرد (که اگر درست باشد، یعنی تقریباً تمام مردان کشته‌شده، عضو حماس بوده‌اند)—تا ۳۰ ژوئیه، ۶۴٪ از کل کشته‌شدگان غزه را زنان، کودکان، سالمندان و مردان غیرنظامی تشکیل می‌دهند. حتی این برآورد ناقص هم نشان می‌دهد که غزه از نظر درصد کشته‌شدگان غیرنظامی، از اکثر جنگ‌های هفتاد سال گذشته—از جمله ویتنام، جنگ‌های یوگسلاوی، سوریه و یمن—پیشی گرفته و بسیار بالاتر از میانگین ۵۰٪ در جنگ‌های قرون ۱۸ تا ۲۰ است.



خشونت علیه کودکان به‌ویژه بی‌سابقه بوده است. تنها در چهار ماه، نرخ کشته‌شدن کودکان در غزه بسیار بالاتر از هر جنگ اخیری بود—نزدیک به ده برابر سوریه و چهل‌وپنج برابر یمن. تا ۳۰ ژوئیه، این نرخ معادل کشته شدن یک کودک در هر ساعت بود، یا همانطور که مدیر اجرایی یونیسف توضیح داد: "هر روز یک کلاس درس پر از کودکان کشته می‌شوند، برای نزدیک به دو سال". این آمار شامل هزاران نوزاد و کودک زیر دو سال است. زمانی که وزارت بهداشت غزه در ژوئن گذشته فهرست به‌روز شده‌ای از تمام کشته‌شدگان جنگ را به ترتیب سن از کم به زیاد منتشر کرد، یازده صفحه و ۴۸۶ نام طول کشید تا به اولین کودک بالای شش ماه رسیدیم.

سه ماه پس از جنگ، به طور متوسط بیش از ده کودک در روز یک یا هر دو پای خود را در غزه از دست دادند—جایی که امروز بیشترین تعداد قطع عضو کودکان را نسبت به جمعیت دارد. به دلیل محاصره اسرائیل، بسیاری از این قطع عضو بندی ها بدون بی هوشی انجام شده است. برخی از این کودکان جزو ۱۷,۰۰۰ یتیمی هستند که جنگ ایجاد کرده. حتی یک اصطلاح جدید برای این پدیده ابداع شده است: **"کودک زخمی، بدون خانواده بازمانده"**، زیرا این وضعیت در این جنگ به شکلی عادی تبدیل شده است. پزشکان خارجی گزارش داده اند که این کودکان که با جراحات های تغییر دهنده زندگی و بدون هیچ سرپرستی رها شده اند گاه التماس مرگ می کنند.

شواهد نشان می دهد کودکان غزه هدف عمدی سادیسم بوده اند. بیش از یک سال است که گزارش های گسترده ای از سوی کادر درمان وجود دارد مبنی بر معالجه کودکانی که عمداً به سر، گردن، سینه یا بیضه هایشان شلیک شده، و اشاره کرده اند که به نظر می رسد سربازان اسرائیلی از آنها به عنوان «هدف تمرینی» استفاده می کرده اند. سربازان اسرائیلی از پسران جوان به عنوان «سپر انسانی» استفاده کرده اند و صدها کودک فلسطینی در زندان های اسرائیل بازداشت شده و بسیاری از آنها تحت شکنجه قرار گرفته اند. اینها علاوه بر شکنجه گسترده و منظم بزرگسالان فلسطینی است، که ده ها نفر از آنها در اثر شکنجه های شامل شوک الکتریکی، حمله سگ ها و خشونت جنسی چنان شدید که قربانیان را راهی بیمارستان کرده، جان باخته اند.



اکنون، با مواجهه ۱۰۰٪ جمعیت با ناامنی غذایی حاد، شمار کشته‌شدگان در غزه به‌ویژه کودکان در آستانه انفجار است. یک کارشناس قحطی درباره وضعیت کنونی غزه گفته است: "از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون، هیچ موردی از گرسنگی که این قدر دقیق طراحی و کنترل شده باشد وجود نداشته است." تاکنون ده‌ها نفر رسماً بر اثر گرسنگی جان باخته‌اند، رقمی که احتمالاً کمتر از ۱۰٪ آمار واقعی است.

هزاران کودک از نقطه بی‌بازگشت گذشته‌اند و در هفته‌ها و ماه‌های آینده خواهند مرد یا برای همیشه معلول خواهند شد. مدیر فوریت‌های برنامه جهانی غذای سازمان ملل گفته است این وضعیت "مانند هیچ چیزی نیست که در این قرن دیده‌ایم" و تنها با نمونه‌های قحطی‌های دهه‌ها پیش در قرن بیستم قابل مقایسه است.

این تنها یک نقطه عطف دیگر در دنباله بی‌رحمی‌های جنگ اسرائیل است، در حالی که نظامیان اسرائیل هر روز ده‌ها فلسطینی را با بمب و گلوله قتل عام می‌کنند.

تخریب فیزیکی بی‌سابقه

اما آنچه غزه را متمایز می‌کند، تنها کشتار جمعی نیست، بلکه مقیاس تخریب فیزیکی است، تخریبی وسیع و سیستماتیک برای نابودی هر سازه و نهادی که زندگی سازمان‌یافته در این منطقه را ممکن می‌ساخت.

تا فوریه ۲۰۲۵، ۹۲٪ از خانه‌های غزه آسیب دیده یا نابود شده‌اند و دوسوم کل واحدهای مسکونی این سرزمین منهدم شده است. سازمان ملل اعلام کرده این سطح از تخریب مسکن "از زمان جنگ جهانی دوم بی‌سابقه بوده" و در صورت توقف فوری جنگ، تا سال ۲۰۴۰ طول می‌کشد تا بازسازی شود—و این ارزیابی مربوط به چهارده ماه پیش است.

تنها در یک ماه، به دلیل محاصره اسرائیل و قطع برق و سوخت، تمامی پنج تصفیه‌خانه فاضلاب و اکثر پمپاژخانه‌های فاضلاب غزه از کار افتادند و فاضلاب تصفیه‌نشده به آب‌های ساحلی، خاک و منابع آب شیرین نفوذ کرد. پس از یک سال، ۷۰٪ از تاسیسات آب و فاضلاب غزه آسیب دید یا نابود شد. تا

ژوئن گذشته، تنها ۴۹٪ از تاسیسات تولید آب آشامیدنی غزه هنوز فعال بود. واژه‌هایی که پیش از این به ندرت یا هرگز استفاده نمی‌شدند، حالا برای توصیف غزه به کار می‌روند:

- شهرسوزی برای ۹۲٪ جاده‌های اصلی و ۷۰٪ راه‌های فرعی،
- مدرسه‌سوزی برای ۹۰٪ مدارس و دانشگاه‌ها،
- خانه‌سوزی برای اکثر خانواده‌هایی که خانه‌هایشان کاملاً نابود شده،
- زیست‌سوزی برای آنچه سازمان ملل "خسارت بی‌سابقه و احتمالاً جبران‌ناپذیر" به اکوسیستم طبیعی غزه نامیده است. این «زیست‌سوزی» شامل آسیب به ۸۳٪ زمین‌های کشاورزی غزه (تا آوریل ۲۰۲۵)، کشته شدن ۹۵٪ گاوها و حدود ۴۰٪ گوسفندان و بزهاست. شمال غزه که روزی ۶۵٪ آن زمین کشاورزی بود، اکنون به بیابانی کاشت‌ناپذیر تبدیل شده است. بمباران تنها کارخانه آرد غزه، تعطیلی تمام ناوایی‌ها را به دنبال داشته و تمام اینها به همراه نابودی ۷۲٪ ناوگان ماهیگیری و تعطیلی کامل بخش ماهیگیری، به معنای نابودی کامل توانایی غزه در تأمین غذای خود، هم اکنون و هم در آینده، است.



این وضعیت همچنین غزه‌ای‌ها را به طور کامل به کمک‌های خارجی وابسته کرده، کمک‌هایی که اسرائیل آنها را به قول یک کهنه‌سرباز به "تله مرگ"

تبدیل کرده است، جایی که به طور متوسط روزانه دوازده فلسطینی در حالی که عمداً مورد هدف قرار می‌گیرند، در صف دریافت غذا کشته می‌شوند. این هم صحنه‌ای است که هیچ سابقه‌ای ندارد.

بیش از نیمی از میراث فرهنگی غزه و یک‌سوم مساجد آن آسیب دیده یا نابود شده‌اند. این شامل دو قدیمی‌ترین ساختمان نوار غزه می‌شود: **مسجد بزرگ عمری** مقدس با قرن‌ها قدمت که تقریباً به طور کامل در یک حمله هوایی نابود شد، و **حمام سامری** که توسط جامعه‌ای باستانی که گفته می‌شود از قبایل بنی‌اسرائیل هستند ساخته شده بود و اسرائیلی‌های مدرن آن را بمباران و با بولدوزر ویران کردند. زمانی که طالبان و داعش آثار فرهنگی را نابود می‌کردند، این اقدام به عنوان دلیلی کلیدی بر «تهدید جهانی» آنها عنوان می‌شد، و نابودی فرهنگ یهودی توسط نازی‌ها، از جمله از سوی موزه هولوکاست ایالات متحده، به عنوان بخشی از برنامه کلی آنها برای نابودی یهودیان اروپا شناخته می‌شود.

حمله اسرائیل به بخش بهداشت غزه به‌ویژه شدید بوده است. حداقل ۹۴٪ **بیمارستان‌های غزه** آسیب دیده یا نابود شده‌اند و آخرین بیمارستان کاملاً فعال این منطقه نیز در آوریل گذشته تا حدی تخریب شد. نزدیک به نیمی از بیمارستان‌ها دیگر فعال نیستند.

بیمارستان‌ها، مانند میراث فرهنگی و مدارس، در جنگ تحت حمایت هستند و حمله به آنها چنان غیرقابل قبول است که وقتی دولت اوپاما در ۲۰۱۵ به طور تصادفی یک بیمارستان در افغانستان را بمباران کرد، پنتاگون به شدت به دنبال توجیه گشت، سه تحقیق آغاز شد، رئیس‌جمهور شخصاً عذرخواهی کرد و شانزده نفر تنبیه شدند و این یک رسوایی بزرگ جهانی بود. در مقابل، اسرائیل به صدها حمله عمدی به بیمارستان‌ها همانند حملات به مدارس و اماکن مذهبی اعتراف و آنها را توجیه کرده است.

کارکنان بهداشتی نیز تحت حمایت هستند، اما اسرائیل تنها در دو ماه اول، تعداد بیشتری از آنها را در غزه کشت تا کل کشته‌شدگان این حوزه در تمام جنگ‌های جهان در یک سال از ۲۰۱۶ به بعد بیشتر شده است. حتی در پایین‌ترین برآورد، ۵۵۷ **کارمند بهداشتی** کشته‌شده در غزه از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تا ۳۰ ژوئیه

۲۰۲۵ است. این علاوه بر صدها کارمند بهداشتی است که سربازان اسرائیلی ربوده و برخی از آنها را تحت شکنجه تا سر حد مرگ پیش برده‌اند.

در آستانه سال اول جنگ، اسرائیل به طور میانگین:

- هر ۱۵ روز یک مرکز توزیع کمک‌ها را بمباران می‌کرد،
- هر ۴ روز یک مدرسه و بیمارستان،
- هر ۱۷ ساعت یک چادر یا پناهگاه موقت،
- و هر ۴ ساعت یک خانه مسکونی.

در نتیجه، اسرائیل رکوردهای بی‌شماری را شکسته است:

- بیشترین کشته‌شدگان کارکنان بهداشتی در حداقل یک دهه،
- مرگبارترین جنگ برای کارکنان امدادی در تاریخ ثبت‌شده،
- مرگبارترین جنگ برای خبرنگاران در تاریخ—بیشتر از مجموع هفت جنگ بزرگ با حضور آمریکا، شامل دو جنگ جهانی و جنگ داخلی.

بمباران در مقیاسی غیرقابل درک

بسیاری از این فجایع نتیجه یک بمباران بی‌سابقه و بی‌تمایز است. در پایین‌ترین برآورد، اسرائیل از آغاز جنگ بیش از ۷۰,۰۰۰ تن بمب بر غزه ریخته که معادل حدود شش بمب هیروشیما بر منطقه‌ای به مساحت کمتر از نصف هیروشیما، اما با جمعیتی شش برابر آن می‌باشد. شدیدترین دوره بمباران در سه ماه اول بود، زمانی که اسرائیل تا فوریه ۲۰۲۴، ۲۵,۰۰۰ تن (حدود دو بمب هیروشیما) مواد منفجره بر غزه ریخت.



در عمل، اسرائیل شمال غزه را در شش هفته به مقیاس شهرهای آلمانی مانند **درسدن، هامبورگ و کلن** ویران کرد. تا ماه سوم جنگ، اسرائیل درصد بیشتری از ساختمان‌های غزه (۳۳٪) را نابود کرده بود که متفقین در سه سال بمباران مناطق شهری آلمان (۱۰٪) از بین برده بودند. رابرت پیپ، مورخ نظامی آمریکایی و نویسنده کتابی مرجع درباره قدرت هوایی در قرن بیستم، تا همین نقطه جنگ غزه را "**یکی از شدیدترین کمپین‌های تنبیهی غیرنظامیان در تاریخ**" خواند که "**در بالاترین رده ویرانگرترین بمباران‌های تاریخ جای می‌گیرد.**"

تنها در همین دوره اولیه، محققان دریافتند که تخریب غزه از هر نمونه مدرنی که با نابودی کامل مترادف است — **حلب در سوریه، ماریوپول در اوکراین، موصل در عراق، گروژنی در چچن** (که زمانی توسط سازمان ملل «مخرب‌ترین شهر روی زمین» نامیده شد) — پیشی گرفته است. یک محقق که خسارات جنگی در جنگ‌های مختلف را نقشه‌برداری کرده، در دسامبر ۲۰۲۳ گفت: "**از نظر حجم و سرعت بمباران، هیچ چیزی در چنین بازه زمانی کوتاهی قابل مقایسه با این نیست.**" پس از هجده ماه، پل راجرز، استاد بازنشسته دانشگاه برادفورد و نویسنده کتاب‌های متعدد درباره جنگ مدرن، ویرانی غزه توسط اسرائیل را "**بی‌نظیر در دوران پس از جنگ جهانی دوم**" خواند و تنها قابل مقایسه با بمباران‌های آتشین توکیو در آن جنگ دانست.

این تعجب‌آور نیست وقتی به شدت بمباران غزه، به‌ویژه در سه ماه اول که تخریب سریع‌ترین روند را داشت، نگاه کنید:

۲۵,۰۰۰ تن بمب ریخته‌شده در سه ماه اول به تنهایی بسیار بیشتر از بمب‌های متفقین در بمباران هامبورگ (۹,۰۰۰ تن) و درسدن (۳,۹۰۰ تن) — که موزه ملی جنگ جهانی دوم آمریکا آن را "**قیامت‌گونه**" توصیف می‌کند — و همچنین بیش از بمب‌های نازی‌ها در هشت ماه بمباران لندن (۱۸,۳۰۰ تن) است.

۲۲,۰۰۰ حمله هوایی اسرائیل در کمتر از دو ماه، بیش از **۱۳,۵۹۸ حمله** ائتلاف به رهبری آمریکا علیه داعش در عراق در بیش از ۴ سال بود: **۶۰٪ حملات بیشتر، در ۴٪ زمان، بر منطقه‌ای کمتر از یک هزارم مساحت**. این رقم حتی از بیش از **۱۷,۰۰۰ حمله** به سوریه در همین بازه (کشوری حدود پانصد برابر بزرگتر از غزه) نیز پیشی گرفت. در آن زمان، از تخریب‌های ناشی از این عملیات که "**عزم جزم**" نام داشت، به عنوان "**جنگ نابودی**"، "**غیرقابل**

درک" و "استالینگراد" (اشاره به نبرد مشهور در جنگ جهانی دوم) نام برده می‌شد.

تنها در پنج روز اول، اسرائیل با افتخار اعلام کرد که شش هزار بمب بر غزه ریخته است. برای روشن شدن این موضوع، بیشترین تعداد بمبی که ایالات متحده در یک سال بر افغانستان ریخته است، بیش از هفت هزار بمب بوده است که تقریباً معادل همان تعداد بمبی است که ناتو در هشت ماه در سال ۲۰۱۱ بر لیبی ریخته است. در واقع، هیچ سالی بین ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۸ وجود نداشته است که در آن ایالات متحده بیش از ۴۴۰۰ بمب بر افغانستان، کشوری که تقریباً ۱۸۰۰ برابر غزه وسعت دارد، ریخته باشد. تعداد بمب‌های ریخته شده در عملیات عزم ذاتی علیه داعش در یک ماه، تنها یک بار از ۵۰۰۰ بمب فراتر رفت.

تنها دو ماه پس از آن، اسرائیل در مجموع ۲۹۰۰۰ تن مهمات ریخته بود که مدیر موسسه "جنگهای هوایی" اعلام کرد: «به طور قابل توجهی بالاتر از آنچه در هر درگیری دیگری، حداقل در بیست سال گذشته، دیده‌ایم.»



با نرخی نزدیک به پانصد بمب در روز، این شدت بمباران از میانگین روزانه ۴۶ بمبی که ایالات متحده در بیست سال گذشته در تمام مناطق جنگی پرتاب کرده، بسیار بیشتر بوده و همچنین از بمباران گسترده روسیه در اوکراین در سال جاری پیشی گرفته است: میانگین روزانه پهپادها، موشک‌ها و بمب‌های گلایدی که توسط روسیه در ژوئیه گذشته پرتاب شده است، به ۳۶۷ عدد می‌رسد و اکثر آنها توسط سلاح‌های دفاعی که غزه‌ای‌ها ندارند، رهگیری شده‌اند.

این به خودی خود به اندازه کافی کشنده بود. اما اسرائیل همچنین برای انجام این بمباران به تعداد بسیار زیادی از مواد منفجره مخرب و بی‌هدف متکی بوده است. حدود ۴۰ تا ۴۵ درصد از دو ماه اول حملات هوایی اسرائیل از بمب‌های «بی‌هدف» غیرهدایت‌شونده استفاده شده است، که یکی از کارشناسان تسلیحات پنتاگون آن را در چهارچوب آنچه که قرار است یک دموکراسی لیبرال در قرن بیست و یکم باشد، «تکان‌دهنده» خواند.

در حالی که ایالات متحده از زمان ویتنام اغلب به بمب‌های ۵۰۰ پوندی متکی بوده است - به عنوان مثال، این بزرگترین بمبی بود که علیه داعش در موصل و رقه استفاده شد - بمب‌های ۱۰۰۰ و ۲۰۰۰ پوندی ۹۰ درصد از مهمات مورد استفاده اسرائیل در غزه را در دو هفته اول جنگ تشکیل می‌دادند. اسرائیل از بمب‌هایی استفاده کرده که می‌تواند افراد را در شعاع بیش از ۳۰۰ متری بکشد یا زخمی کند و گودال‌های عظیمی در زمین، در مناطق به اصطلاح «امن»، یک بازار شلوغ، یک اردوگاه پناهندگان، برج‌های مسکونی و در محدوده بیمارستان‌ها ایجاد کند.

هیچ حرفی نیست

از یک نظر، واقعاً مهم نیست که آیا مقامات اسرائیلی همه این کارها را عمداً انجام می‌دهند یا خیر (هرچند که به طور واضح چنین است) یا اینکه آیا این جنگ نسل‌کشی محسوب می‌شود یا خیر (هرچند که مطمئناً چنین است). همانطور که حتی نگاهی گذرا به این حقایق و ارقام روشن می‌کند، آنچه اسرائیل با غزه می‌کند، هر طور که بخواهید آن را تعریف کنید، غیرقابل تحمل و از نظر تاریخی وحشتناک است.

جنگ‌های دیگری نیز وجود دارند که تلفات جانی بیشتری داشته‌اند یا حتی نسبت بیشتری از غیرنظامیان کشته شده‌اند. کشورهای دیگری نیز وجود دارند که مواد منفجره بیشتری بر روی آنها ریخته شده است. دولت‌های دیگر کودکان بیشتری را کشته و آنها را به طرز سادیستی شکنجه کرده‌اند. کشورهای دیگر نیز به طور مشابه از نظر فیزیکی ویران شده و از نظر زیست‌محیطی مسموم شده‌اند. در جنگ‌های دیگر شاهد کشته شدن کارکنان مراقبت‌های بهداشتی و امدادگران و تخریب بیمارستان‌ها بوده‌ایم. درگیری‌های دیگری نیز وجود دارند که شاهد قحطی‌های عمدی بوده‌اند.

آنچه غزه را متمایز می‌کند، نه تنها این است که همه این ویژگی‌ها و موارد دیگر را در خود جای داده است، بلکه این است که در بین بدترین‌ها، اگر نگوییم بدترین‌ها، در همه آنها در دهه‌های گذشته - و گاهی حتی در کل تاریخ - قرار دارد. دلیلی وجود دارد که چرا افرادی که حرفه خود را صرف زندگی، جنگیدن، مشاهده، انجام کارهای بشردوستانه و تحقیق در مورد درگیری‌ها کرده‌اند، مرتباً می‌گویند که هرگز در زندگی خود چیزی به بدی آنچه در غزه اتفاق می‌افتد ندیده‌اند: زیرا آنچه ما در غزه تماشا می‌کنیم، فقط یک اتفاق غم‌انگیز و وحشتناک دیگر نیست که در نقطه‌ای دور از جهان در حال وقوع است، بلکه چیزی بی‌سابقه و ظالمانه و غیرانسانی، حتی در مقیاس آن اتفاقات وحشتناک، می‌باشد.

آنچه ما در غزه دیده‌ایم، آنچه همچنان در غزه می‌بینیم، نابودی یک جامعه دو میلیون نفری است. هر جنبه‌ای از تمدن مدرن، و همچنین ابتدایی‌ترین چیزهایی که حتی برای وضعیت معیشت اولیه برای یک جامعه انسانی لازم است، توسط ارتش اسرائیل در غزه عمداً و تقریباً به طور کامل نابود شده است. و اکنون ما، از طریق ترکیبی از گرسنگی، بیماری و قتل، شاهد مرگ تدریجی اما شتابنده جمعی مردمی هستیم که زمانی در آنجا زندگی می‌کردند.